

تبیین ویژگی های پیشوایان معصوم

۱. آئینه زیبائیها
۲. وظایف موعودیان
۳. مهر یار محور موعودیها
۴. دانشگاه عاشورا و ظهور

سید محمود بحرالعلوم میردامادی


بسم الله الرحمن الرحیم

گزیده خصائص الامراء

نویسنده:

سید محمود بحرالعلوم میردامادی

ناشر چاپی:

عطر عترت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

گزیده خصائص الامراء

مشخصات کتاب

عنوان و نـام پدیـدآور: گزیـده خصائص‌الامراء: بیان ویژگی‌های امراء منتخَب الهی از آیات و روایات/ محمود بحرالعلوم‌میردامادی. بیـان ویژگی‌هـای اُمراء منتخَب الهی از آیات و روایات (قسـمت اوّل) موضوع بیان ویژگی‌های أمراء منتخب الهی از آیات و روایات مشـخصات نشـر: قم: عطر عترت ۱۳۸۸. مشـخصات ظاهری: ۷۲ ص. شابـک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۵۵-۴۲-۲ وضـعیت فهرست نویسی: فیپا یـادداشت: کتابنـامه: به صورت زیر نویس موضوع: اولیـا موضوع: ولایت -- جنبه‌های قرآنی موضوع: ولایت -- احادیث رده بنـدی کنگره: BP۲۲۳/۸/م۹خ۶ ۱۳۸۸ رده بنـدی دیویی: ۲۹۷/۴۵ شـماره کتابشناسی ملی: ۱۹۶۳۴۰۳ www.imamalmahdi.com info@imamalmahdi.com

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم ع وَ هُـوَ یَـوْمُ التَّبَسُّم فِی وُجُـوهِ النَّاسِ مِنْ أَهْـلِ الْإِیمَـانِ فَمَنْ تَبَسَّمَ فِی وَجْهِ أَخِیهِ یَـوْمَ الْغَـدِیرِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَیْهِ یَـوْمَ الْقِیَامَهًِ بِالرَّحْمَهًِ وَ قَضَـی لَهُ أَلْفَ حَاجَهًٍ وَ بَنَی لَهُ قَصْـراً فِی الْجَنَّهًِ مِنْ دُرَّهًٍ بَیْضَاءَ وَ نَضَّرَ وَجْهَهُ وَ هُوَ یَوْمُ الزِّینَهًِ فَمَنْ تَزَیَّنَ لِیَوْمِ الْغَدِیرِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ کُلَّ خَطِیئَهًٍ عَمِلَهَا صَـغِیرَهًً أَوْ کَبِیرَهًً وَ بَعَثَ اللَّهُ إِلَیْهِ مَلَائِکَهًً یَکْتُبُونَ لَهُ الْحَسَـنَاتِ وَ یَرْفَعُونَ لَهُ الدَّرَجَاتِ إِلَی قَابِلٍ مِثْلِ ذَلِکَ الْیَوْمِ فَإِنْ مَاتَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّکِینَ بِوَلَایَهًِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّهًِ علیهم السـلام و صـلی الله علی سیدنا و مولانا ابی القاسم محمد و آله الطاهرین لاسـیما بقیهًْ الله فی الارضـین و لعنهًْ الله علی اعدائهم أجمعین إلی یوم الدین. به اسم تو می‌نویسم به یاری اسم تـو چرا؟ زیرا خودت اسم را واسـطه قرار دادی و در آغـاز قرآن، فرمودی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ و فرمودی وَ لِلَّهِ الْأَسْـماءُ الْحُسْـنی فَادْعُوهُ بِها (۱) و حجت تو امام صادق علیه السلام فرمود: نَحْنُ وَ اللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی (۲) و حجت تو امام رضا علیه السلام فرمود: إِذَا نَزَلَتْ بِکُمْ شَدِیـدَهًٌْ فَاسْـتَعِینُوا بِنَا عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (۳) اُمراء منتخب سـخن پیرامون مقامات «اُمراء منتخَب» است، لـذا از کلام خدای متعال که منتخِبِ پادشاهان هستی است آیاتی و از پیامبر اعظم صـلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و عترت طاهرین علیهم السلام در موضوع این انتخاب و ویژگیها و خصائص آن، از جمله ویژگی حیات‌بخشی و سعادت آفرینیِ ولایت در جامعه‌ی بشری و نیازمندی انسان به این ولایت سـخنانی می‌آوریم، و از او به وساطت اُمراء هستی، محمد و آل محمد (صـلوات الله علیهم اجمعین) مدد می‌جوییم. سـید محمود بحرالعلوم - قم مقدّسه میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۲۰ جمادی الثانی/۱۴۳۰

[منظور خدا از خلق انسان]

سخن ما با مؤمنان به غیب و معتقـدین به مبدأ و معاد هستی است. کسـی که ایمان به خداوند متعال یعنی بنّا و سازنده‌ی هستی دارد، ممکن است سؤال کنـد که خـدای حکیم برای چه منظور و حکمتی انسـان را خلق نموده است؟ قرآن کریم می‌فرمایـد: وَ مـا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِیَعْبُـدُون (۴) (و جن و انس را نیافریـدم مگر برای اینکه مرا عبـادت کننـد.) پس آیه شـریفه، دلالـت دارد بر اینکه غرض خلقتِ جن و إنس عبـادهًْ الله است. بایـد دانست که عبـادت انجام نمی‌گیرد و محقق نمی‌شود مگر با معرفت معبود و شـناخت چگونگی عبادت که لایق او جل و علی باشـد. و بـدیهی است که معرفت‌یابی نسـبت به مکلِّف (خدای متعال) و تکلیف (عبادت) به دست نمی‌آیـد مگر به وحی الهی، اینجـاست که بشـر خود را محتـاج پیـامبر صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم و شارحین وحی یعنی ائمه علیهم السلام باید بداند. (۵) الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ: ... پس، بعد از اینکه انسان معتقد به عالَم غیب شد، نوبت به عمل به دستوران

مُنزَل از غیب می‌رسد. یکی از مهمترین دستورات الهی، دستور «أقم الصلوة» (۶) است، خوب صلوة، یک مفهوم ظاهری دارد و آن ارکان مخصوصه است، که باید مکلّف همواره به این تکلیف عمل نماید، و یک مفهوم باطنی و آن توجه به ولایتِ برگزیدگان الهی، مودت آنان و إقامه‌ی حق آنان است.

صلوة خاشعین [و یک سوال درباره‌ی باطن صلوة]

نماز خاشعین، نمازِ «مؤمنین» است که در سوره مؤمنون بشارت فلاح و رستگاری آنان آمده است: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذینَ هُمْ فی صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ (۷) به چه دلیل باطن صلوة را ولایت و إقامه‌ی حق صاحبان ولایت می‌دانیم؟

پاسخ

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث نورانیت می‌فرمایند ...: فَمَنْ أَقَامَ وَلَایَتِی فَقَدْ أَقَامَ الصَّلَاةَ ... قال سلمان: قُلْتُ یَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ أَقَامَ وَلَایَتَکَ؟ قَالَ: نَعَمْ یَا سَلْمَانُ تَصْدِیقُ ذَلِکَ قَوْلُهُ تَعَالَی فِی الْکِتَابِ الْعَزِیزِ: «وَ اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ وَ إِنَّها لَکَبِیرَةٌ إِلاَّ عَلَی الْخاشِعینَ». فَالصَّبْرُ رَسُولُ اللَّهِ صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم وَ الصَّلَاةُ إِقَامَةُ وَلَایَتِی فَمِنْهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَی «وَ إِنَّها لَکَبِیرَةٌ » وَ لَمْ یَقُلْ و «إِنَّهُمَا لَکَبِیرَةٌ» لِأَنَّ الْوَلَایَةَ کَبِیرَةٌ حَمْلُهَا إِلَّا عَلَی الْخَاشِعِینَ (۸) ترجمه: کسی که بپا دارد ولایت مرا به پا داشته است نماز را... سلمان عرض کرد: ای برادرِ رسول خدا! هر که به پا دارد ولایت شما را به پا داشته است نماز را؟ فرمود: آری ای سلمان!؛ تصدیق آن در کتاب خدا آمده است که می‌فرماید: «وَ اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ وَ إِنَّها لَکَبِیرَةٌ إِلاَّ عَلَی الْخاشِعِینَ» پس صبر در آیه مراد رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم است و صلوة برپا داشتن ولایت من است و از همین جهت است که خدای تعالی نسبت به صلوة می‌فرماید: «إِنَّها لَکَبِیرَةٌ» و نفرموده است «إِنَّهُمَا لَکَبِیرَةٌ» (در این آیه، خدا امر فرموده که یاری بجویید به صبر و صلوة لکن صلوة تنها را فرموده کبیره است یعنی بزرگ است، این است که در بیان، ضمیر مفرد برای صلوة آورده وگرنه باید ضمیر تثنیه که «إنهما» است به جای «إنها» آورده باشد و کبیره بودن ولایت برای آن است که کسی تحمل آن را نمی‌تواند بکند مگر کسانی که اهل خشوعند؛ و اهل خشوع شیعیانند که مستبصر و بینایند و این برای آن است که اهل قیل و قالهایی که از فرقه مرجئه و قدریه و خوارج و غیر ایشان از ناصبیها هستند، همه به پیغمبری محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم قائلند و منکر نبوت او نیستند و اختلافی در آن ندارند اما در ولایت من اختلاف کردند و منکر آنند مگر کمی از مردم که خدا آنها را در کتاب عزیز خود وصف فرموده و گفته است که «إِنَّها لَکَبِیرَةٌ إِلاَّ عَلَی الْخاشِعِینَ» یعنی ولایت امر بزرگی است و تحمل آن را نمی‌کنند مگر کسانی که اهل خشوعند و آنها شیعیان می‌باشند.

پیروی از سابقان

همه می‌دانیم که سابقان در خیرات (ایمان و اعمال صالحه) پیامبر اعظم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و عترت آن حضرت (علیهم‌السلام) می‌باشند. کما قال الله تبارک و تعالی: السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (... ۹) پیروان و مدافعین ولایت معصومین علیهم السلام را قرآن کریم «مصلین» اطلاق می‌کند، «ما سَلَکَکُمْ فی سَقَرَ، قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ (۱۰) (چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟ می‌گویند: ما از مصلین نبودیم.) از امام صادق علیه السلام منقول است: «لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ، یعنی از پیروان سابقین نبودیم. (۱۱) پس مصلّی همانطور که در کتب فقهیه آمده (۱۲): کسی است که پیرو و دنبال برنده‌ی اول مسابقه (یعنی سابق) حرکت می‌کند، مصداق این مطلب، أتباع صاحبان ولایت و پیروان ائمه‌ی هدایت علیهم السلام می‌باشند که در مسابقه خیرات (۱۳) (یعنی ولایت) برنده و سرفرازند. مطلب مهمی که از آیه شریفه استفاده می‌شود اینست که، متابعت نکردن از ولایت و به قول قرآن کریم مُصلّی

نبودن، باعث بـدبختی انسان می گردد. پس اولین فریضه بعد از ایمان، اینست که شـخص مؤمن، در إقامه‌ی ولایتِ رسول‌الله و عترت آن حضرت، و پیروی از آن بزرگواران سعی و تلاش نماید.

مدد گرفتن از رسالت و امامت

مـدد گرفتن از دو دسـتگیره‌ی آسـمانی، رسـالت و امامت که در آیه‌ی شـریفه: «وَ اسْتَعینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ» (۱۴) آمـده است، برای سعـادت بشـر کفـایت می کنـد. اعتقـاد به رسول الله صـلّی اللّه علیه و آله و سـلّم بعـد از اعتقاد به وجود الله تبارک و تعالی، به عنوان آورنده‌ی قانون الهی و سازنده‌ی دژ استوار توحید (حصن) و اعتقاد به ولایت ائمه علیهم السلام (صلوهٔ) به عنوانِ کهوف و نگهبانان این دژ، سه اصـل از اصول اسـلام را تشـکیل می‌دهـد. بـدیهی است که اصلِ ولایت بر مسـتکبرین و مخالفان مبانی اسـلام سـخت و سنگین است، زیرا بقـاء مبـانی اسـلام و معارف قرآن با ولایت و صاحب اختیاری ائمه و رهبری و ارشادات آن حضـرات بوده است. همین امر بـاعث شـده که دشـمنان اسـلام و بیشتر یهود، بـا علت مبقیه‌ی دین یعنی با ولایت ائمه‌ی معصومین علیهم السـلام به مبارزه برخیزند و با دور نمودن مسلمین از قطب دین، به اختلافات دامن بزنند.

عبادت بی دستور

اگر اقامه‌ی ولایت که صلوهٔ خاشعین است در روح و جان ما محقق نشود و تنها مصلی و برگزار کنندگان ارکان مخصوصه باشیم، عبادتی بی دستور و از خود انجام داده فردا به سؤال: «ما سَلَكَكُمْ فی سَقَرَ» (... ۱۵) مسؤول خواهیم بود.

شناخت نمایندگان خداوند

پس از بحث مبـدأ شناسـی، ما به بحث منهـج شناسـی می‌رسـیم و این بحث، ما را به اصل پیامبرشناسـی و امام‌شناسـی سوق می‌دهد. کسب شـناخت نماینـدگان خداونـد متعـال، نه فقـط به عنوان مدرسـین منهـج عبـادت، بلکه به عنوان عـاملین به بنـدگی خالصانه، و مشـوقین عملی به عبـودیت، لازم و ضـروری است. ادله قرآنی و روائی می گویـد: صـلوهٔ به معنی ارکـان مخصـوصه و دیگر اعمـال عبادی به صـلوهٔ باطنی یعنی همان قبول ولایت اولیاءالله و به معرفت ایشان محتاج است. ما با همین ادله، مـدعی اعتقادی بالاتر از این نیز هستیم، و آن اینست که موحّد بودن انسان بستگی به قبول ولایت اولیاء الله دارد.

فَهُوَ لَكُمْ

اهل مطالعه در علوم قرآنی و روشن ضـمیران دانش ربانی می‌داننـد که آیه‌ی شـریفه: «إلّا من شاء أن يتخذ إلى ربه سبيلًا» (۱۶) (تنها پاداش من این است که کسانی بخواهنـد راهی به سوی پروردگارشان برگزیننـد.) به وسـیله‌ی عمل به آیه‌ی شـریفه: «قل لا أسـئلكم عليه أجراً إلّا المودة فى القربى» (۱۷) تفسیر و تبیین می گردد. مزد رسـالت که در آیه‌ی اول، اتخـاذ راه ربّ بیـان شـده است. همان مودت صاحبان ولایت (عترت طاهرین علیهم‌السـلام) است که در آیه‌ی دوم مطرح گردیـده است. به تعبیر دیگر، موحّد بودن و طی نمـودن طریـق ربّ، بـه رهـبری و ارشـادات عـترت علیهم السـلام نیازمنـد است. قرآن کریم بـا آیه‌ی شـریفه: «فَهُوَ لَكُمْ» (۱۸) مبشّر سعادتمندی کسانی است که راه را از راهنما می‌جویند و در طریق توحید، با ارشاد امام معصوم حرکت می کنند.

«شعر»

مودّت اصل دین باشد برادر صفای دل همین باشد برادر سخن از آیه‌ی «أن یَتَّخِذ» گو ز تأویل مودّت بهره‌ای جو مودّت اتخاذ راه ایمان شده فرضِ الهی بر مسلمان به قرآن خدا «فَهوَ لکم» خوان همه سود مودّت بهر خود دان بیا رشکی ببر بر جهد عمار که نوشد شهد ایمان در برِ یار بیا درسی بخوان از صبر اَشتر مودت را ببین در جان قنبر مودت را ببین در روز عاشور کلاس درس دین تا نفخه ی صور

استواری در راه ولایت

استقامت در راه ولایت و استواری در طریق امامت، همان پایداری در راه توحید و خداپرستی است. یعنی کسب معرفت ولی و حجت الهی و استقامت در راه عمل به دستورات او، انسان را به معرفت الله (تبارک و تعالی) می‌رساند. آیه‌ی شریفه قرآن: «وَ أنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً» (۱۹) که سخن از پایداری در راه ولایت و طریقه‌ی امامت دارد، نتیجه‌اش همان است که فرموده است: «إنَّ الَّذینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا» (۲۰) طریقه‌ی ولایت و راه امامت است که سلمان و اباذر و بلال می‌سازد. وقتی انسان را از آب خوش‌گوار محبت و چشمه‌ی حیات‌بخش مودت می‌نوشانند، گویای «ربنا الله» می‌شود و مُلهَم به الهام ملائکهٔ الله، بدون حزن و ترسی طریقِ بهشت را طی می‌کند.

ابواب معارف الهیه

با بیان گذشته به ویژگی باب الله بودن صاحبان ولایت اشاره نمودیم. و این ویژگی، ویژگیهایی دارد که یکی از آنها این است که انحصاری است. باب معرفت الله، فقط عترت طاهرین (صلوات الله علیهم أجمعین) هستند. جامعه بشری اگر خواهان سعادت است باید از این راه وارد و در این دانشگاه به تحصیل معارف الهیه بپردازد. ادله‌ی قرآنی و روائی این ویژگی فراوان است ولی ما به قدر ظرفیت و کشش غالب، به بیان مطالب مأموریم. قرآن کریم می‌فرماید: فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَکینَتَهُ عَلی رَسُولِهِ وَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ وَ أَلْزَمَهُمْ کَلِمَهَ التَّقْوی (۲۱)

کَلِمَهَ التَّقْوی چیست؟

در قرآن ما به کلمه و کلمات بر می‌خوریم. عیسی مسیح علیه السلام را قرآن (۲۲) کلمه می‌خواند و آل پیامبر را کلمات. (۲۳) گاهی از امام و حجت الهی به «کَلِمَهٔ باقیه» (۲۴) یاد می‌کند و گاه به «کَلِمَهٔ تَّقْوی». شیفتگان معارف باید کلمه به کلمه در این کلمات دقت نموده و عترت را از قرآن کریم بشناسند. همه می‌دانند که هر نوشته و کتابی از اسم و فعل و حرف تشکیل شده است، اسم و فعل به خودی خود دارای معنا و مفهوم است ولی حرف به تنهایی مفهومی ندارد. پس اسم و فعل دو کلمه‌ی کامل و تام هستند و حرف، کلمه‌ی ناقصه و غیر کامل محسوب می‌شود. برای همین باید حرف با اسم و فعل مصاحبت نموده و از کمال این دو بهره‌مند گردد. همین مطلب را در مورد کتاب تکوین تصور کنید. موجودات جهان هستی هر کدام یک کلمه از کلمات این کتاب می‌باشند و هر کدام یا کامل و یا غیرکامل و ناقصند. انسان که یک کلمه از این کتاب به حساب می‌آید نیز به کامل و غیرکامل تقسیم می‌شود. بدیهی است که انسان غیرکامل محتاج انسان کامل است و باید برای رسیدن به کمال دست به دامن افراد کامل گردد. ارسال رسل و مأموریت دادن به اوصیاء، برای پاسخ به این نیاز است. وسیله‌ی کمال بشریت، اوامر و نسخه‌های معصومین است، ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسیلَهَ در قرآن کریم گویای همین مسئله است. (۲۵) پس گفتار مخالف با دلیل عقل و نقل مخالف بوده و انسان ناقص را از تمسک به افراد کامل «معصوم» باز می‌دارد. در زیارت جامعه می‌خوانیم: «بِمُوَالاتِکُمْ تَمَّتِ الْکَلِمَهُ وَ» ... یعنی به قبول ولایت شما اهل بیت کلمه‌ی ناقصه (انسان غیرکامل) کامل می‌گردد. (۲۶) برای همین خداوند متعال مؤمنین را ملزم به قبول ولایت

کَلِمَةُ التَّقْوَی وَ أَعْلَامُ الْهُدَی (یعنی اهل‌بیت) نموده است. (۲۷)ٌ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِکَ کَلِمَةُ التَّقْوَی وَ أَعْلَامُ الْهُدَی (... ۲۸) البته این الزام به ولایت و این تعهد در برابر امامت، سابقه‌اش به روز جمعه «عالم ذر» بر می‌گردد: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا نُودِیَ لِلصَّلاةِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَةِ» (... ۲۹) امروز کلمه‌ی تقوی حضرت بقیهٔ الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و معتقدین به آن جناب، متقینند که قرآن کریم هدایت را منحصر به ایشان دانسته است: «ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ (۳۰)

مهدویت و بقاء توحید

بقاء دین مبین و توحید ابراهیمی منحصراً به ولایت و مهدویت بستگی دارد. قرآن می‌فرماید: «وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ (۳۱) یکتاپرستی دوامش منوط به رهبری کلمه باقیه است و کلمه باقیه امامت دائمی اولاد ابراهیم (عترت پیامبر اعظم صلوات الله علیهم اجمعین) تا روز قیامت است. چرا امام منتظَر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بقیهٔ الله می‌گویند: «بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ» (۳۲) با امامت این ذخیره‌ی الهی، دین مبین و معارف هداهٔ معصومین باقی و برقرار می‌گردد و نور وجود آن محبوب، همیشه باقی و جاویدان است، مگر نفرمود: «کُلُّ مَنْ عَلَیْها فانٍ وَ یَبْقی وَجْهُ رَبِّکَ» (... ۳۳) و مگر در دعای کمیل نمی‌خوانیم: وَ بِوَجْهِکَ الْبَاقِی...

نتیجه

پس انسان غیرکامل راهی جز حرف شنوی و شاگردی در مکتب انسان کامل را ندارد. فانی برای رسیدن به حیات طیبه و بقاء معنوی باید به باقی متوسل گردد. و این انحصار، در آیات قرآن فراوان برای بشر تابلو شده است. شما ببینید آیه‌ی تطهیر، (۳۴) با إنّما آمده است، چرا؟ خدای متعال مسّ نمودن قرآن را فقط برای «مُطَهَّرُونَ امضاء کرده است. (۳۵) با این دو مقدمه، قرآن را کتاب هدایت متقین قرار داده است: «ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ (۳۶) مقدمه‌ی اول: معصومین، اهل‌بیت علیهم السلام هستند. مقدمه‌ی دوم: ظاهر و باطن قرآن پیش معصومین است. پس قرآن با بیان عترت، هدایت برای متقین باید باشد. قرآنی که حقائق و اسرار آن، بواطن و تأویلات آن فقط در حضور پر نورِ «من عنده علم الکتاب» (۳۷)، حلال مشکلات و سفینهٔ النجاهٔ کشف و حل می‌شود. آیا هدایتش انحصاری نیست؟ خواهش کاتب این نوشته، از خوانندگان آگاه این است که با صبوری به مطالب گذشته و آینده، خاصه این سطور توجه نموده، ببینند آیا نباید «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا» (... ۳۸) را در هر لحظه از عمرمان بازگو نموده، و شاکر نعمت ولایت و امامت باشیم.

گروه رستگاران

فلاح و رستگاری که بزرگترین مطلوب بشریت می‌باشد در کدامین مکتب به دست می‌آید؟ آیا انسانها چه مقدار در این مسئله تحقیق و بررسی داشته‌اند؟ طرفداران قرآن می‌دانند که فلاح و رستگاری فقط در مکتب عترت علیهم السلام یافت می‌شود. براساس براهین عقلی و نقلی (قرآنی و روائی) ما یک صراط مستقیم بیشتر نداریم، و آن طریق و راه قرآن با تفسیر و تبیین عترت است.

کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی

ما به دلیل عقل، حدیث کتاب الله و سنتی را مردود می‌دانیم، چرا که بعد از نابود شدن حدیث، که مبلّغ سنت است یعنی بعد از به آتش کشیدن سخنان رسول الله صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم رجوع به سنت صحیحه، سالبه بانتفاء موضوع شده است و این در حالی است که اساساً حدیث مذکور، ساختگی و سنداً بی‌اعتبار است. پس برای تبیین قرآن و برای رسیدن به سنت صحیحه‌ی نبوی فقط

باید به عترت طاهرین علیهم السلام رجوع کنیم. (۳۹) اگر کسی در موضوع حکومت عترت علیهم السلام و رهبری آن حضرات به تغییر و تبدیل روی آورده، با بافتن مطالب و تعریف حقایق مردم را به غیر (قرآن و عترت) دعوت نماید، برخلاف این انحصار الهی و نسخه‌ی درمان آسمانی قدم برداشته به فلاح و رستگاری بشریت زیان و لطمه وارد نموده است. مکتبی که نه افراط دارد و نه تفریط، امت میانه و به قول قرآن «أُمَّةً وَسَط»، مکتب اهل بیت علیهم السلام است. «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ» (... ۴۰) امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «نحن الامۀ الوسطی» (... ۴۱) در روایتی آمده است که پیامبر به علی علیه السلام فرمودند: «أَنْتَ بِمَنْزِلَةِ الْکَعْبَةِ» (۴۲) یعنی تو نقش کعبه را داری، کعبه از احترام الهی برخوردار است، کعبه مورد توجه موحّدین است، توجه به کعبه عبادت است و خلاصه، کعبه محور طواف مؤمنین است، و اینها همه با برتریهای دیگر، ویژه‌ی امام و حجت الهی است. مثلاً شب قدر، ملائکه بر وجود امام طواف می‌کنند. به هر حال این توصیفهای قرآنی و روائی که از جانب مکلِف (خدا و رسول) بیان شده است، بی‌جا و حتی کم فائده و یک مدح صرف نیست. مگر «یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیم.» را نخوانده‌ایم؟ مگر آیات قرآن بی حکمت و بدون هدف است؟! قرآن حکیم می‌فرماید: «وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ (۴۳) توجه به امام زمان و حجّت دوران در هر عصر، یک وظیفه‌ی بزرگ و بزرگترین وظیفه است. برای همین حاجی باید معرفت حجت الهی را کسب نموده با بصیرت، امیرالحاج را ببیند و از او طلب هدایت و رستگاری کند. درست است که در نماز می‌خوانیم: «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ (۴۴) اما فیوضات الهیه از جمله هدایت از طریق اهل بیت علیهم السلام به ما می‌رسد. حاجی به دستور شرع مطهر به دور کعبه طواف می‌کند ولی باید بداند کعبه، نماد عظمت، قداست، و محوریت امام و حجت خداوند متعال است. چگونه محوریت قول پیامبر اعظم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مورد اتفاق است و همگان از سنّت ایشان سخن می گویند، همین رتبه در آیه‌ی شریفه‌ی: وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ (۴۵) برای عترت علیهم السلام کاملاً آشکار و معلوم است. کعبه آن سنگ نشانی است که ره گم نشود حاجی احرام دگر بند ببین یار کجاست پس اولاً مکتب عدالت و میانه‌روی، مکتب حجج الهیه است و ثانیاً فلاح و رستگاری فقط در این مکتب به بشریت ارائه می گردد.

صلوه ذرّیه

در گذشته گفتیم صلوۀ باطنی توجه به ولایت و صاحب اختیاری عترت علیهم السلام و کسب معرفت ایشان است. جالب است بدانیم که حضرت ابراهیم (معلم و مربی توحید) در مقام دعا و عرض حال، اسکان ذریه خود را در مکه و نزد بیت، به منظور اقامه‌ی صلوۀ معرفی می‌کند. «رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِیُقِیمُوا الصَّلاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْهِمْ» (۴۶) آیا توجه مردم باید به بیت باشد و یا به ذریه‌ی ابراهیم؟ کسی در اهمیت و عظمت بیت‌الله الحرام شک و تردید ندارد، ولی باید بدانیم، عظمت خانه از این است که نماد محوریت امیرالحاج الهی (از ذریه ابراهیم) است. خوب، توجه مردم دنیا به ذریه‌ی ابراهیم (عترت طاهرین علیهم السلام) چه فایده و ثمری دارد؟ اینجاست که بحث زمینه‌سازی ظهور و اقامه‌ی صلوۀِ ولایت پیش می‌آید. تبلیغ ولایت و از خوبیهای امامت گفتن، مردم دنیا را به فضائل آل ابراهیم (عترت طاهرین) آشنا ساختن و از شیرینی ظهور نور و بارش طهور، سخن به میان آوردن، قلوب مردم را به بزرگی آن حضرات، معطوف می‌دارد و مقدمات ظهور (اقامه صلوۀ) کنار بیت الله الحرام فراهم می گردد. پس با این بیان، نیز به انحصاری بودن پرچم داران عصر فلاح و خوشبختی (عصر ظهور) رسیدیم و دانستیم که اقامه‌ی صلوۀِ ولایت در کنار کعبه، به وسیله‌ی ذریه‌ی ابراهیم (اولاد اسماعیل یعنی عترت طاهرین علیهم السلام) انجام می گردد. آیه‌ی شریفه را دوباره دقت کنید: «رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِیُقِیمُوا الصَّلاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْهِمْ» (۴۷) پس اگر کسی در زمان غیبت به ولایت آل ابراهیم یعنی عترت طاهرین علیهم السلام بی توجه باشد، و برای مقدمات ظهور، به خدمات فرهنگی (قرآنی و ولائی) اشتغال نداشته باشد، فردا به سؤال «ما

سَلَکَکُمْ فی سَـقَرَ» باید پاسخ گوید. بی توجهی به ولایت و امامت شارحین دین (عترت طاهرین علیهم السلام)، بی توجهی به همه‌ی خیرات و از جمله حج نیز به حساب می‌آید.

قطب بشریت

بـا آیه شـریفه «فَاجْعَلْ أَفْئِـدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوی إِلَیْهِمْ» به محوریت آل ابراهیم (پیامبر اعظم و عترت طاهرین علیهم السـلام) برای کمال بشـریت پی می‌بریم. حضـرت ابراهیم (علی نبینـا و آله و علیه‌السـلام) ذریه خود را به مکه برد و کعبه را به عنوان سـنگ نشانِ ذریه، تجدید بنا کرد تا محوریت ظاهری و باطنی قطب کمال بشر را الی‌الابد تعیین فرماید. بنابراین اگر کسی در طریق توحید، قطب یعنی امام نداشته باشد و (به غیر امام) (۴۸) این راه را بپیماید، مثل کسـی است که پشت به کعبه نماید و بر خلاف جهت قبله عبادت کند و نماز بخوانـد. حضـرت علی علیه السـلام می‌فرماینـد: نَحْنُ آلُ إِبْرَاهِیمَ أَ فَتَرْغَبُونَ عَنْ مِلَّهِٔ إِبْرَاهِیمَ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی فَمَنْ تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی. ما خانـدان ابراهیم هستیم، آیا از ملت و روش ابراهیم دوری می‌کنیـد، در حالی که خـدای متعال (از بیان ابراهیم) می‌گوید: هر کس از مـن پیروی کنـد او از مـن است؟ (۴۹) همـانطور که سابقـاً بیان گردیـد، باب امامت ابراهیم بسـته نشـده و از ذریه او همواره پیشوایان معصومی در جایگاه امامت، به راهنمایی و ارشاد مردم پرداخته‌انـد. وظیفه مردم موحّـِد این می‌باشـد که با «صادقین» (یعنی عترت علیهم السـلام) معیّت داشـته و با همراهی امام معصوم به حرکت توحیـدی و سیر الی الله ادامه دهند .... وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ (۵۰)

دستور ذکر

یکی از دسـتورات الهی دسـتور ذکر اسـت، آیـات قرآن و روایـات معصـومین علیهـم السـلام در مـورد ذکر فراوان اسـت. قرآن در توصـیف اولی الالباب می‌فرماید: الَّذینَ یَذْکُرُونَ اللَّهَ قِیاماً وَ قُعُوداً وَ عَلی جُنُوبِهِمْ وَ (... ۵۱) در ضمنِ بعضی از آیات، که مربوط به ذکر است، مـا به آیـاتی برخورد می‌کنیم که سـخن از ذکر آلاء و نعم به میان آورده، به این نوع ذکر نیز فرمان می‌دهـد. قرآن کریم می‌فرماید: فَاذْکُرُوا آلاءَ اللَّهِ (۵۲) اولاً معلوم است که نعم و آلاء الهی فراوان و بی‌شـمار است و ما یاد هر کـدام از نعمت‌ها باشـیم و توجّه به بزرگی و اهمیت آن داشـته باشـیم بازگشت آن توجّه به ولیِّ نعمت یعنی خـدایِ کریم و مهربان می‌باشـد. ثانیاً بایـد بـدانیم خداونـد متعال برای نعمتِ رسالتِ رسول اعظم صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم بر مؤمنین منّت نهاده است؛ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَی الْمُؤْمِنینَ إِذْ بَعَثَ فیهِمْ رَسُولاً (... ۵۳) آیـا می‌شود نعمت وجود پیـامبر خـدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم را با دیگر نعمتها مقایسه کرد؟ مثلاً آیا پیـامبر خـدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم بـا نعمت چشم و گوش انسـان مقـایسه می‌شود؟ هرگز!!! فرضـاً اگر خواسـتیم تشـبیهی برای رسول‌الله صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم در عـالم اجسام داشـته باشـیم، فقط می‌توانیم ایشان را تشبیه به قلب کنیم. ایشان، هم قلب عالم امکان و محور وجودند و هم قلب بدنه دین و جهان تشریع. حالا آیا دستور ذکر آلاء و نعم که برای موحّدان صادر شده است، اول، شامل کـدام نعمت می‌شود؟ آیا ذکر و یاد پیامبر اعظم صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم مصـداق بارز و روشن عمل به دسـتور، ذکر آلاء نمی‌باشـد؟ این نعمت بزرگ که بـا ولایت و صاحب اختیاریش به همه، حتی انبیاء (۵۴) قبل از خود نور داده، مشـکوتی که مصباح (۵۵) را دارا می‌باشـد آیـا یادش «مأمور به» و مورد فرمان الهی نبوده است؟ اینجاست که به بی مِهری بعضـی از مـدعیان توحیـد باید اشـاره کنیم که با بی‌توجهی به بزرگی رسول‌الله صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم دین را تحقیر کرده، آب به آسـیاب دشـمنان اسـلام، به ویژه یهود ریخته‌اند.

ذکر علی علیه السلام

جای بررسی است که ذکر علی علیه السلام که طبق آیه‌ی شریفه‌ی مباهله (۵۶)، نفس رسول‌الله صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به حساب می‌آید چه جایگاه و رتبه‌ای دارد. منّتی که خدای متعال، برای رسالت رسول‌الله (صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم) بر مؤمنین نهاده، آیا برای رهبری صاحبان ولایت ننهاده است؟ پس آیه‌ِ شریفه‌ی «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ» (۵۷) چه می‌فرماید؟ هم نعمت رسالت منّت دارد و هم نعمت ولایت، و در گذشته گفتیم که ولایت و امامت، حافظ و نگهدار رسالت و شارح و مبیّن معارف آن است. حال، جزء اخیر از علت تامه اگر در نظر گرفته نشود چه می‌شود؟ پاسخ در آیه‌ی شریفه به خوبی بیان شده است: وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ (۵۸) پس رسیدیم به اینکه ذکرالله در ذکر آلاء و نعم نهفته است، و بالاترین ذکر آلاء و نعم، ذکر رسول‌الله صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم است، و ذکر رسول وقتی مقدور است که او و بزرگی پیامش در آئینه علی علیه السلام دیده شود. یعنی در آئینه وجود صاحب ولایت، عظمت معارف صاحب رسالت متجلی است، سنت را به عترت باید شناخت، و با آدرس زوج بتول (علیهما سلام‌الله) باید به معرفت رسول صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم رسید. رسول‌الله صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در آئینه نهج‌البلاغه، مُدرسّی بزرگ و مربّی عالیقدری است که علی علیه السلام خود را شاگرد این مَدرس و تربیت شده این دانشگاه بزرگ می‌داند. پس ذکر رسول الله صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نمی‌تواند جدای از ذکر علی علیه السلام باشد، همانطور که در دستور ذکر صلوات، پیامبر اعظم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: بگو اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ و عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ. (۵۹) شافعی این چنین می‌سراید: یا آلَ بیتِ رسولِ اللهِ حبکمُ فَرْضٌ مِنَ اللَّهِ فی القُرآنِ أَنْزَلَهُ کفاکم منْ عظیمِ الفخرِ أنّکم مَنْ لَمْ یُصَلِّ عَلَیْکُمْ لا صَلاةَ لَهُ «ای اهل بیت رسول خدا! محبّت شما فریضه‌ای است که از جانب خدا در قرآن آمده است. در عظمت و منزلت شما همین بس که، هر کس بر شما درود نفرستد نمازش باطل است.» (اشاره به صلوات واجب در تشهّد نماز است). (۶۰) سابقاً اشاره‌ای به این معنا شد که توجه به صاحب ولایت و قبول رهبری ایشان، صلوة خاشعین است. مفهوم شعر شافعی که از رهبران غیر شیعی می‌باشد این است که؛ با سلام و صلوات بر آل محمد (صلوات الله علیهم أجمعین)، صلوتت را صلوة خاشعین کنی. صلوة بدون ذکر صلوات بر آل، صلوة مستکبرین است. البته نمی‌دانیم شافعی به بزرگی کلام خودش واقف بوده، یا فقط کلام حقی برای حقانیت ذریه ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه‌السلام) یعنی عترت طاهرین علیهم السلام به زبان او جاری شده است.

وقوف در آیات و روایات

اینجا باید وقوف نمایی، سرزمین ذکرالله، یاد اسماء الهی، معرفت امیر حاج. اینجا عرفاتِ حج ابراهیمی است، (فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْهِمْ) وقوف در عرفات چگونه واجب است؟ وقوف به این فرازها، توجه به آیات و روایات معتبره اوجب است، حتی وقوف و تفکر در شعر شافعی و امثال او که حقیقت را در لابلای گفتار خود بیان داشته‌اند. قف، مگر وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ (۶۱) را نشنیده‌ای؟ حاجی احرام دگر بند، چرا علی علیه السلام در خانه‌ی کعبه به دنیا آمد؟ قف، یعنی تفکر کن نه ایست کن. آنها که در قبول ولایت ایست کردند، فردا ایست طولانی و خطرناکی پیش روی دارند. چرا فرمود: «وَ یَبْقی وَجْهُ رَبِّکَ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ» (۶۲) وجه ربّ باقی می‌ماند؟ وجه ربّ ذوالجلال و الاکرام است؟ وجه ربّ کیست؟ یا چیست؟ مگر خداوند صورت جسمانی دارد؟ روی این مطلب باید اندیشه کرد، وقوف نمود تا به مشعر و منای ولایت رسید. وقوف کنید در عرفات ذکرالله که بدون ذکر نبی و وصی بهره و لذتی از عرفات مکه و حج نمی‌برید.

ذکر مولا

پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: ذِکْرُ عَلِیٍّ عِبَادَةٌ (۶۳) یعنی: یاد علی علیه السلام عبادت است، بیائید روی این حدیث

شریف، کمی وقوف داشته باشیم. یاد همه‌ی عترت علیهم السلام البته این چنین است، ولی یاد علی علیه السلام از برتری بیشتر و فضل بالاتری برخوردار است. چرا یاد علی علیه السلام عبادهٔ الله است؟ راستی چرا؟ خوب، مگر او آئینه محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نیست؟ مگر او معلم عبادت و مذکِّر عبادالله نمی‌باشد؟ مگر او پدر عبادت نیست، مثل فرزندش ابا عبدالله الحسین علیه السلام، اباعبدالله «پدر بندگان» مگر او پدر آدم نیست «ابو تراب» (۶۴) مگر نمی‌دانیم «أَنَا وَ هُوَ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» را (۶۵) پس ذکر این دو پدر با هم باید منظور نظر امت قرار گیرد. چرا حلّال مشکلات را فراموش کنیم، به کدامین دلیل امضاء کننده‌ی مقدرات را از یاد ببریم؟ آیا «إنا انزلناه فی لیلهٔ القدر» (۶۶) را نباید بفهمیم و بشناسیم؟ ای برادر! قدر قرآن را بدان آیه‌ی «یُفرَق» ز جان و دل بخوان سوره‌ی قدر آمده تدریس دین جان فدای رهبر قدر آفرین جان فدای آنکه فرمان می‌دهد حکم او بر عاشقان جان می‌دهد جان فدای غایبِ حاضر جواب منتقم بر کینه‌های بی‌حساب جان فدای غائب خانه به دوش ناظر نامردمان دین فروش جان فدای حاکم غیب و حضور عارفان راه را ماء طَهور جان فدای سرور روح و ملک حبّ او بر انس و جان باشد محک لیلهٔ القدر است قدر جاه او آفرین بر حشمت و درگاه او لیلهٔ القدر آمده آئینه‌اش علم مصبوب است نقش سینه‌اش عزّت و ذلّت بود تقدیر او مالک مُلک و مَلک با اذن هو صاحب قدر و شرافت اوستی معدن جود و کرامت اوستی طواف ملائکه کجاست، دور امیر قدر، پادشاه مقدّرات، ابوتراب، می‌دانی ابوتراب امروز کیست؟ به عشق روی ماه تو، دیده پر آب می‌شود به یاد غربتت شها! دلم کباب می‌شود صاحب خانه‌ام تویی، مالک جان من بیا به دور از ولایتت، جهان سراب می‌شود مبدأ هست، هستِ تو، پدر برای ماسوی! علی به دید مصطفی ابوتراب می‌شود ابوتراب این زمان وجود اطهرت بود مس دلم به دست تو طلای ناب می‌شود مبدأ عطر معرفت! مرا به صحبتت بخوان مُصاحِب گل ولا، به حق گلاب می‌شود چه شعله‌ای است حب تو، بَرَد دل حریق را محبّ خود ببین شها چگونه آب می‌شود نماز بی ولای تو عبادتی است بی وضو کَرائم کلام حق چه خوش جواب می‌شود تو ظاهری ظهور حق مگر برای عاصیان نفس و هوای دون بسی حکم حجاب می‌شود هر آن که مُرد بی ولا به دور از معارفت به روز حشر، بی امان، غرق عِتاب می‌شود در این تهاجم عدو نظر نما به ناصران عدوی تو به نزد ما یقین مُجاب می‌شود مقصد و کهف امّتی، نصرت حق بیا بیا «کوچک» تو به نصر دین جزء کِلاب می‌شود در عرفات این وادی (امام شناسی) اگر کمی فکر کنی، می‌بینی در آیات ولایت، تصریح به اسم نیست اما توصیف که ابلغ است، آن هم دهها و صدها توصیف آسمانی، مراد را به مرید نشان می‌دهد. روایات، با زمان تقیه ساخته است، فقط می‌گوید: «ذکر علی عبادهٔ» خوب، چرا از ذکر علی علیه السلام دوری کنیم و مروّج آن نباشیم؟ مگر ما برای عبادت خلق نشده‌ایم؟ (وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) و مگر ذکر علی علیه السلام عبادت نیست؟ می‌توانید بگوئید، شهادت به ولایت عبادت نمی‌باشد؟ اگر طالب حیات طیبه هستیم تکلیف ما این است، لحظه‌های زندگی را با یاد علی علیه السلام نورانی کنیم، به ویژه لحظات زیبای مقدمات نماز را. ما از آقای دکتر تیجانی و دیگر مستبصرین انتظار بیشتری داریم که در درک مفاهیم بلند فصول ولایت و رسیدن به فهم مراتب و شئون امامت، تلاش و سعی فراوان داشته باشند تا به احادیثی مثل مکتوب ساق عرش «علی ولی الله» است بی‌توجهی نکنند ایشان گفته است اینکه بر ساق عرش نوشته شده «علی ولی الله» این بحث دیگری است که نه برای ما فائده دارد و نه ما را به هدف واقعی می‌رساند. (۶۷) البته ایشان مرد مجاهد و خدمتگزاری است ولی بعضی از مطالبش قابل تأمل می‌باشد. ما به ایشان پاسخ می‌دهیم که فهمیدن عظمت ولایت و اینکه مسئله یک مسئله سماوی و الهی است، وظیفه‌ی همه‌ی موحّدان است و فائده‌اش فرار از مرگ جاهلیت است، (۶۸) پس مکتوب عرش، که علی ولی الله است بر معرفت موحّد می‌افزاید موحّد از عرش درس گرفته بر قلبش می‌نویسد «علی ولی الله» و این ذکر مقدس از قلب به زبان جاری می‌گردد و حیات طیبه و زندگی همراه با بهترین آرامش‌ها را به او هدیه می‌نماید. آقای تیجانی می‌داند که ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «هُوَ الَّذِی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِینَ (۶۹) از ابی هریره و انس بن مالک از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم آمده است: شب معراج دیدم به ساق عرش نوشته شده: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَیَّدْتُهُ بِعَلِیٍّ (یعنی به وسیله‌ی علی پیامبر را تأیید نمودم) (۷۰) در شواهد التنزیل حاکم

حسکانی ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیامَةِ أَعْمی» (۷۱) کلمه‌ی «ذِكْری» را به ولایت علی علیه السلام معنا نموده و از جابر بن عبدالله نقل می‌کند، که رسول الله صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَیْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ یَهُودِیّا چرا دشمنان اهلبیت علیهم السلام یهودی وارد محشر می‌شوند؟ شاید به این دلیل باشد که خط دشمنی با اهل بیت علیهم السلام اول از یهود ترسیم و تصویب شده است. و امروزه می‌بینیم خطوط انحرافی و مقابل قرآن و عترت از یهود درس گرفته و تغذیه می‌شوند. خلاصه تبلیغات یهود علیه اهل بیت بر فکر بعضی اثر می‌گذارد و لذا یهودی وارد محشر می‌گردند. پس «ذِكْرُ عَلِیٍّ عِبَادَةٌ» باید به ما بفهمانند که نباید از کاروان ذاکرین و خاشعین در برابر ولایت دور و جدا باشیم. ذکر علی علیه السلام جهادی است در برابر آنها که قرآن می‌فرماید: «ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ (۷۲) از امامت و ولایت کراهت دارند با اینکه این مقام بزرگ از خداوند متعال به اهلبیت علیهم السلام رسیده است. آیا جهاد در اسلام واجب نیست؟ آیا بی توجهی به تلاش دشمن در خاموش کردن «نُورَ اللَّهِ» بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر و احکام آن محسوب نمی‌شود؟ انتظار از متفکران و اندیشمندان شیعه است که به تبیین آیات ولایت پرداخته، روایات فضائل را تشریح نموده، مردم به ویژه مستبصرین را به بزرگی‌های اهلبیت بیش از پیش آشنا سازند. انتظار از حوزه‌های علمیه شیعه است که قبل از فقه (احکام شرعیه فرعیه) و اصول فقه، به دانشجویان علوم اسلامی، آیات ولایت و روایات معتبره شؤون امامت را تدریس نمایند و عقائد طلاب و سربازان حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را قوی و استوار سازند. انتظار از جامعه‌ی وعاظ و سخنوران مذهبی است که قبل از پرداختن به هر موضوعی به علت مبقیه دین بپردازند و در بیان فضائل اهلبیت علیهم السلام با بیان جامع و مستدَل تلاش و جدیت نمایند.

سؤال شب معراج

آیا می‌دانید، انبیاء ذاکر علی علیه السلام بوده‌اند، در آیه‌ی شریفه: «وَ سْئَلْ مَنْ أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ» (... ۷۳) مفسرین گفته‌اند: شب معراج، پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم از همه‌ی انبیاء پرسید: شما بر چه محوری مبعوث شدید؟ انبیاء پاسخ دادند: عَلَی وَلَایَتِكَ وَ وَلَایَةِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام (۷۴) پس ذکر علی علیه السلام عبادت است، عبادتی که شب معراج، انبیاء بدان پرداخته‌اند. پیروان انبیاء و موحّدان عالم نیز باید به این دستگیره‌ی نجات متمسّك باشند. سوالی شد شب معراج ای دوست! اگر دانی تو آن را بَه چه نیکوست محمد انبیاء را گشت سائل به چه محور همه باشید مایل تمامی از محمد نام بردند به او قلب مطهر را سپردند ز بعد او همه گفتند مولا علی باشد، ز حق حبّش تمنا علی مرشد برای انبیاء بود علی مسند نشین إنّما بود امامت بهر دین اکمال باشد تدیّن بی علی اضلال باشد علی مشکل گشای کشور دل از او بحر معارف گشت حاصل

ایمان به ایمان

چرا ذکر علی علیه السلام عبادت نباشد که او اسوه‌ی ایمان و اصل ایمان است. در آیه‌ی شریفه‌ی «وَ مَنْ یَكْفُرْ بِالْإِیمانِ» (۷۵) امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ یَكْفُرْ بِوَلَایَةِ عَلِیٍ وَ عَلِیٌّ هُوَ الْإِیمَانُ» (۷۶) پس ذکر علی علیه السلام ذکر ایمان است، ذکر ایمان به خداوند متعال، ذکر ایمان به پیامبر اعظم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم.

شهر ولایت مأمن اهل ایمان

یکی از مشکلات فردی و اجتماعی، مشکل تأمین امنیت است. به نظر شما قرآن چه پیشنهاد و توصیه‌ای برای تأمین امنیت فرد و اجتماع دارد؟ برای تأمین امنیت، باید ایمان مردم را نسبت به صاحبان ولایت بالا برد، این توصیه‌ی بزرگ را می‌توان از آیات؛ ۱.

رَبِّ اجْعَلْ هـذا بَلَداً آمِناً (۷۷) ۲. رَبِّ اجْعَلْ هَـذَا الْبَلَدَ آمِناً (۷۸) ۳. مَنْ دَخَلَهُ کـانَ آمِناً (۷۹) در قرآن کریم دریـافت نمود. تأویل و بـاطن دعـای حضـرت ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السـلام) توجه الهی به ذریه و مأمن قرار دادن ولایت ایشان برای موحّـِدان بوده است. البته این دعـای بزرگ از آن رجـل الهی به اجـابت رسـیده و اهـل ولایت و طرفـداران مودت در امنیت و آرامش الهی به سـر می‌برنـد. مگر نخوانـده‌ایم: «أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (۸۰) را؟ مگر ذکرالله در ذکر علی علیه السـلام یـافت نمی‌شود؟ وقـتی ذکر علی علیه السـلام بر اساس اعتقاد به ولایت آن حضـرت جزء زندگی انسانها شد، سیر آنها به سمت معرفت الله و ذکر الله سرعت پیدا می‌کند و در نتیجه اطمینان و آرامش با زندگی آنها قرین می‌گردد. همین مطلب را شما می‌توانید از حدیث سلسلهٔ الذهب و عبارت (بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا) که حضرت اباالحسن الرضا علیه السلام القاء فرمود (۸۱) دریافت دارید. داخل شدن در حصن توحید و دژ استوار لا إله إلّا الله، عامل امنیت و آرامش خواهد بود. و می‌بینیم این امنیت و آرامش در حدیث امام رضا علیه السلام مشروط به قبول ولایت می‌باشد.

نورالله کیست؟

در قرآن کریـم از ولاـیتِ کلمـات الله یعنی (اهـل بیـت علیهم‌السـلام) بـه نـور تعبیر شـده اسـت. می‌دانیـم کـه نـور، خـود، ظـاهر و ظاهرکننـده‌ی غیر است، در مورد پیشوایان الهی اعتقاد ما بر این است که این بزرگواران «نور الله» انـد، مکتب نرفته و اسـتاد ندیده به عنایات الهی اسـتاد و مربِّی بشـریت شده‌انـد. قرآن کریم می‌فرماید: «یَکادُ زَیْتُها یُضـیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَـسْهُ نارٌ» (۸۲) این چراغ نزدیک است بـدون تمـاس بـا آتش شـعله‌ور گردد، مصـداق آیه‌ی شـریفه، چراغِ نورانیت اهل‌بیت علیهم السـلام است که از خداونـد متعال سرچشـمه گرفته و برای افروختنش به کسـی احتیـاج نبوده و نیست. قرآن کریم می‌فرمایـد: «وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذی أُنْزِلَ مَعَهُ» (۸۳) یعنی مردم رسـتگار از نوری که بـا پیـامبر اعظم نـازل شـده است پیروی می‌کننـد. قرآن در سوره تغـابن دسـتور می‌دهـد که به خداونـد و رسولش و نوری که نازل شـده است ایمان بیاورید، و نیز در سوره‌ی رعد ۱۶ و تحریم ۸ و توبه ۳۲ و صف ۸ و بعض سور دیگر در مورد نور الله که همان صاحبان ولایت هسـتند سـخن گفته، خصائص نور و مسؤولیت جامعه‌ی بشـری در استفاده از آن را بیان داشته است. یکی از ویژگی‌های جامعه‌ی ولایی و طرفداران ولایت علوی، نورانی بودن آنان است. و همین امر، باعث می‌شود که جامعه‌ی مـذکور امنیت فردی و اجتماعی داشـته باشد. می‌دانیم که ناامنی‌ها به ظلمت (نادانی و ناداری) بر می‌گردد و ظلمت از بی توجهی به قادر متعال و نماینـدگان او ناشـی می‌شود. بشـریت اگر طالب سـعادت باشـد، بایـد به ولایت عترت علیهم السـلام پاسخ مثبت بدهد. مکتب غنی علـوی که از نـادانی و نـاداری به دور است، اگر منظـور نظر انسانهـا قرار بگیرد، جـامعه به سـوی غنـای مـادی و معنـوی رهسپار شده و امنیت و سعادت را به خوبی می‌یابد.

آب و حیات‌بخشی آن

یکی از توصـیف‌هایی که برای اهل بیت علیهم السلام در قرآن آمده است، تشبیه آن حضرات به آب است. می‌دانیم آب، هم طهور و پاک‌کننده است و هم حیات بخشی دارد. «و انزلنا من السماء ماءً طهوراً لنحیی به بلدةً میتاً» (۸۴) قرآن در سوره‌ی ملک، آیه‌ی ۳۰ و حج ۵ و ۶۳ و الرحمن ۱۹ در مورد این تشبیه سـخن گفته است. حال باید از مسلمین پرسید تا چه اندازه از این آب حیات استفاده کرده و با طهارت نفس و زندگی با معنویت همراه شده‌اند. قرآن، هادی انسانها به سوی مکتب أقوَم و صراط مستقیم است؛ «إنّ هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم» (۸۵) آیا این مکتب اقوم و صراط مستقیم، غیر راه صاحبان ولایت است؟ مکتب ولایت، هم نور دارد و هم آب حیات، هم شارح حلال و حرام قرآن است و هم مبیّن فرائض و واجبات، حال چرا باید انسانها از این منبع فیض دور باشـند؟ مکتبی که از بیان جزئی‌ترین قوانین اخلاق و روش زنـدگی، تا عمیق‌ترین مسائل بلند معرفتی برای بشـر، کوتاهی نکرده، به چه دلیل

به جوامع بشری به خوبی معرفی نشده و مورد استفاده قرار نگرفته است؟ بعضی از مردم به دلیل هوی‌پرستی در مسیر مخالفت با ولایت قرار گرفته، خسران و شقاوت را برای خود فراهم کرده، و بعضی هم قاصر در فکر و عمل، به استضعاف کشیده شده، گاهی حتی بلندگوی بیگانه گشته‌اند. الان که به تنظیم این سطور مشغولم، میلاد مادر خوبیها، کوثر پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در پیش است. فکر می‌کنم مسلمانان چه ندارند، وقتی در حیات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مطالعه می‌کنیم به سرچشمه‌ی خوبیها می‌رسیم. آیا این بانوی مکرمه، مادر مسلمین نمی‌باشد؟ در عظمت این مادر همین بس که در حدیث قدسی (۸۶) آمده: اگر فاطمه نبود پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و علی علیه السلام را خلق نمی‌کردم. در حدیث قدسی ناب و طهور هست نعت آل احمد در ظهور حق تعالی خلقت ارض و سما کرده بهر نور پاک مصطفی علت غایی وجود نور اوست مظهر دادار، وصفش بس نکوست عالی اعلی امیرالمؤمنین هادی راه و امین مرسلین گر به عالم خلقتش امضاء نشد خلقت نور نخست اجرا نشد فاطمه خیرالنساء باشد ثمر هست در وصفش حدیث معتبر آن خبر شهرت به (لولا) آمده در بیان وصف زهرا آمده گر خدا بر خلقتش قصدی نداشت خلقت احمد به دفتر کی نگاشت خلقت نور علی هم بهر اوست او برای خلق عالم آبروست فاطمه باشد ثمر در این میان وصف او گوید خدا با این بیان سوره کوثر همین را بازگوست در بیان مجد او خوش گفتگوست گر نبودی میل و امید ثمر کی نشاندی باغبان بیخ شجر آن شجر بهر ثمر آمد پدید حق کمال دین خود در آن بدید مظهر مکر الهی اوستی عصمت الله و مطیع هوستی باغ دین با ذکر او پاینده شد شیعه از فریاد او یابنده شد مگر ما می‌توانیم با این کلمات، حقّ (کلمات الله) را اداء کنیم و بزرگی آنان را شرح نمائیم؟ آیات و روایاتی که در این نوشته می‌خوانید و هر آنچه از بیان خود آن حضرات در توصیف خودشان آمده است بیان و شرح واقعی آن حوصله و ظرفیت فراوان می‌طلبد و توفیق الهی می‌خواهد. تازه باید بگوئیم؛ آب دریا را اگر نتوان کشید ... یک مطلب در نشان دادن بزرگی مکتب ولایت، خوب است گفته شود، و آن این است که این مکتب پدر و مادر دارد!! یعنی طریق آل ابراهیم (عترت طاهرین) طریق و روش با اصالتی است که ریشه در اعماق جانها و فطرت‌ها دارد؛ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْها (۸۷) بهترین رنگ الهی، برترین عطر آسمانی در این مکتب یافت می‌شود؛ «صبغةَ الله و من احسن من الله صبغةً» (۸۸) پدر این مکتب خاتم‌الانبیاء محمد (صلی الله علیه و آله) و علی مرتضی (صلوات‌الله علیه) دو دستگیره نجات بشریت و مادر این مکتب فاطمه زهرا علیها السلام است. در برابر آب بایستید و نام محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (صلوات الله علیهم أجمعین) را ببرید، ملکولهای آب، خبردار به نظام واحد قیام نموده، به نمایندگان خداوند احترام می‌کنند. (۸۹) عالَم جماد، نبات و حیوان در حدّ وجودی خود به علت غائی هستی تعظیم می‌نمایند. امّا چرا و چگونه انسان به پدر و مادرش بی اعتنا گشته، عوض احسان به والدین، سنگ جفا به سعادت خود می‌زند؟ آیا انسان نباید فکر کند که خاصیت این سنگ زدنها چه می‌شود؟ آیا انسان به امنیت و سعادت خود لطمه وارد نمی‌کند؟ آیا این انحطاط از کدامین علت برای جامعه مسلمین به وجود آمده است؟ مکتبی که امنیت دارد، سعادت دارد پس به چه علت مریدانش غالباً به شقاوت و بدبختی گرفتارند؟ راستی چرا این چنین شده است؟ ما برای درمان دردهای فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی به جز عمل صالح (بعد از مؤمن شدن) چیزی را سراغ نداریم. و عمل صالح، توجه به صلوة وسطی است که وجود مطهر امیرالمؤمنین است؛ «حافِظُوا عَلَی الصَّلَواتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطی» (۹۰) بیائید به نماز ولایت، خصوص ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام توجه فراوان داشته باشیم. چرا در گوش طفل شیرخواره باید اذان بگویند، فقرات اذان و اقامه، اقامه نماز ولایت است، وجود طفل با کلمات مقدسه از انحراف دور می‌گردد.

تکبیره الاحرام

نماز ولایت با یک تکبیر آغاز نمی‌گردد، صد و بلکه صدها تکبیر می‌خواهد. تکبیرة الاحرام زیارت جامعه، زیارت اقرار به ولایت صد تکبیر است. اول از خداشناسی شروع می‌کنی، خدای اکبر باید ولیش اکبر باشد. او أَکْبَرُ أَنْ یُوصَف است، حجت او هم در

خلق أَکْبَرُ أَنْ یُوصَف به حساب می‌آید. حالا ملکولهای وجود طفل شیرخواره در برابر اذان و اقامه ولایت قیام نموده تا تربیتی برای فردا و فرداهای او در جامعه باشد. (۹۱) تا وقتی الله اکبرهای زیارت جامعه را می‌شنود، متذکر شهادت به ولایت بشود و فقرات زیارت جامعه را غلو نخواند. بعضی علماء فرموده‌اند که این الله‌اکبرها غلو زدائی و مبارزه با شرک است. بلی ممکن است این چنین باشد، اما با کمی دقت در می‌یابیم که قبل از کلاس ولایت، کلاس معرفت الله لازم است. وقتی در کلاس معرفت الله، خدای را به بزرگی شناختی، دیگر بزرگی نمایندگان خدای بزرگ را غلو نمی‌خوانی. کسانی که به عظمت حکومت و سلطنت خدای متعال معرفت ندارند، در عظمت صاحبان ولایت توقف می‌کنند. دعای اللهم عرفنی نفسک را فراوان بخوانید، وقتی عرفان الهی به عنایت حق آمد آبشار عرفان پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و حجج الهی بر قلب انسان سرازیر می‌گردد. الله اکبر، الله اکبر که با این عظمت، با جُهّال و اهل غفلت نشست و برخاست می‌کردند و از خود تواضع و فروتنی نشان می‌دادند. الله اکبر، الله اکبر که خُلقشان مثل خَلقشان عظیم و بزرگ بود و با پائین‌ترین خَلق صبوری می‌نمودند و دلی را نمی‌شکستند. الله اکبر، الله اکبر که حقشان پایمان شد ولی حقوق بشر را حتی در زمان استضعاف برای بشریت ترسیم کردند. الله اکبر، الله اکبر (علی علیه‌السلام صوت العدالهٔ الانسانیه)، برتر و بالاتر از آنچه در ۱۹۴۵ میلادی به نام حقوق بشر در اروپا تصویب گردید، حقوق بشر را عملاً تدریس نمود، همان را می‌گویم که از گریه یتیم گریه می‌کرد و از ستم در حق یهودیه فریاد بر می‌داشت. توئی که زیارت جامعه می‌خوانی و نماز ولایت را اقامه می‌کنی، تنها نیستی که الله اکبر می‌گویی بلکه تمام موجودات به این عظمت روح و بزرگی اخلاق، الله اکبر می‌گویند. پس الله اکبرها پاسخگوی شبهه افکنان پیرامون ولایت و شئون اهلبیت علیهم السلام است. در اینجا زائر از خداشناسی به امام‌شناسی می‌رسد. البته از معرفت امام و حجت الهی می‌توان به معرفت الله رسید، «مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِکُمْ» شاهد این مطلب است. بزرگی علم، قدرت و جاه و جلال علی علیه السلام معرّف بزرگی خداوند است. اینجا از اثر، پی به مؤثر می‌بریم، آیه‌ی بزرگ خدا که نشان‌دهنده علم الله و قدرت الله است، علی علیه السلام می‌باشد. بیائید علی علیه السلام را بشناسیم تا خدای را بشناسیم. امروز نماینده‌ی حضرت علی علیه السلام، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ناشناخته مانده است. برای شناخت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز خداشناسی لازم است. مسلمانان وقتی الله اکبر را فهمیدند، به علم و قدرت نماینده او در این زمان واقف می‌شوند. مگر می‌شود خدای اکبر نماینده (نمایش دهنده) علم و قدرت نداشته باشد؟ کسب معرفت الله که «مأمور به» است از کجا غیر از نگاه به عظمت نماینده‌ی او محقق می‌شود؟ اگر زمین خالی از حجت الهی باشد، این بدین معناست که آئینه‌ی خدانمایی وجود ندارد و کسب معرفت الله وظیفه‌ی انسانها نیست و این با ادله‌ی عقلی و نقلی منافات دارد. در خاتمه، بنا به امر و دستور «فَاذْکُرُوا آلاءَ اللَّهِ» به یاد حجت یزدان، ولی دوران، حضرت ولی عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشعاری ارائه می‌گردد.

«شعر»

بی عشق روی مهدی عمرم شود چه زائل غیر از محمد و آل نبود مرا وسائل با عشق روی گلها دارم توسلی چند بَه بَه، به نور نرجس! قلبم بر اوست مایل از کافران نپرسم نور وجود مهدی با اجنبی نگویم امثال این مسائل سرِّ ولا نداند آن کس که اجنبی شد افشا کنم هدف را بر شیعیان سائل بر صفحه‌ی دل ما نقش نگار باشد نامه نگار اوئیم، به به از این رسائل قدر است نظره‌ی او در لیله‌ی مقدّر فوج ملک به عشقش گردیده‌اند نازل

«تو خود حجابی»

شعری به عشق گفتم وفق مراد سائل هر کس شنید گفتا: لِلّهِ دَرُّ قائِل گفتم انیس دلها از بهر چه نیایی؟ گفتا تو خود حجابی چون و

چرا چه حاصل؟ گفتم ز چه نصیبی از دیدنت ندارم؟ گفتا اسیر نفسی آتش بزن تو حائل وز معصیت بپرهیز با نفس دون در آویز حقاً همین معاصی گردیده است فاصل بر حکم دین نظر کن با متقین سفر کن از سیر در شریعت شاید شوی تو واصل گفتم ترحمی کن از بهر ما یتیمان گفتا منم رؤوف و بهر یتیم کافل من مقصد أَلَستَم کون و مکان به دستم از ارتباط با من هرگز نشو تو غافل «کوچک» به یاد رویم اشک شعف بریزد او با عنایت ما گردیده است ناقل یابن الحسن العسکری در حدیث آمده است: النَّظَرُ إِلَی عَلِيٍّ عِبَادَةٌ (۹۲) اماما، وارث و نماینده‌ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام شمائید و همچنان که ذکر بزرگی و عظمت مقامتان عبادت است، نظر به چهره‌ی نورانی و مقدستان عبادت است، ولی دست ما کوتاه و خرما بر نخیل. عَزِیزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَی الْخَلْقَ وَ لَا تُرَی و السلام علیك یا بقیهٔ الله

برخی از آثار اعتقادی آیت الله بحرالعلوم

برخی از آثار اعتقادی آیت الله بحرالعلوم که به زودی منتشر می‌گردد: ۱. مباحث تخصصی امامت و مهدویت از دیدگاه قرآن- عربی، فارسی، روسی، سواحلی، اندونزی و چینی. ۲. حقائقی که در عاشورا ترسیم شد- فارسی. ۳. مرآهٔ الجمال- دل نوشته‌های مهدوی- عربی و فارسی. ۴. دعای ندبه تجلیگاه عشق- ویرایش جدید- فارسی و عربی. ۵. نوید پیامبران بر مصلح آخرالزمان- فارسی، انگلیسی و فرانسه. ۶. الصرخهٔ- نقد شبهات روز- عربی و فارسی. ۷. دروغ پردازی پشتوانه ماتریالیسم- چاپ جدید- فارسی و انگلیسی. ۸. تقدمه تقویم الإیمان فی فضائل امیرالمؤمنین- چاپ جدید- عربی. ۹. وظائف موعودیان- چاپ جدید- فارسی و عربی. ۱۰. پاسخ بافته‌ها - نقدی بر اندیشه‌های شبستری- فارسی. ۱۱. انتخاب برترین سیستم- نقد افکار مارکسیستی- ویرایش جدید- فارسی. ۱۲. عبور از پرتگاه- میزگرد و نشستنی با دکتر تیجانی- عربی و فارسی. ۱۳. نصیحتی الی شیخ الوهابیهٔ- عربی، فارسی، انگلیسی، فرانسه، اردو و روسی. ۱۴. خصائص الامراء (قسمت دوم). ۱۵. و ده‌ها کتاب دیگر. ضمناً از معظم له ده‌ها مقاله جهت همایش‌های علمی در دانشگاه‌های داخلی و خارجی، روزنامه‌ها، مجلات و سایتهای مختلف تدوین گردیده، که با توفیق الهی در مجموعه‌ای کامل تنظیم و در چند مرحله چاپ و منتشر می‌گردد.

پی نوشت

(۱). اعراف، ۱۸۰ (۲). البرهان ج ۳، ص ۲۴۸، ذیل آیه شریفه (۳). همان (۴). الذاریات، ۵۶ (۵). محققین مباحث ولایت و تشنگان معارف امامت را ارجاع می‌دهیم به کتاب شریف و فرید «المنهج القویم» أثر کیمیا اثر فقیه عظیم الشأن، آیهٔ الله سید محمد رجایی (دام ظله) (۶). طه، ۱۴ (۷). مؤمنون، ۲ و ۳ – الخشوع قریب المعنی من الخضوع و ضد الخضوع؛ الاستکبار (التبیان، ج ۱، ذیل آیه وَ اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ) (... ۸). ولایت کلیه، ص ۵۰، نوشته عالم ربانی آیت‌الله میرجهانی (قدس سره) از بحارالانوار علامه مجلسی (قدس سره)، باب نادر در معرفت ائمه (صلوات الله علیهم) (۹). واقعه، ۱۰ (۱۰). مدثر، ۴۲ و ۴۳ (۱۱). نور الثقلین، ج ۸، ذیل آیه شریفه (۱۲). شرح لمعه، باب سبق و رمایه (۱۳). خیرات؛ ولایت است. نور الثقلین، ج ۱، ذیل آیه: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ (۱۴). بقره، ۴۵ (۱۵). مدثر، ۴۲ و ۴۳ (۱۶). فرقان، ۵۷ (۱۷). شوری ۲۳ (بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.) (۱۸). سبأ، ۴۷ (۱۹). جن، ۱۶ (و اگر آنها (جن و انس) بر طریقه (ایمان) استقامت ورزند ما آنها را با آب فراوان سیراب می‌کنیم.) (۲۰). فصلت، ۳۰ (کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند) (۲۱). فتح ۲۶ (و (در مقابل) خداوند آرامش را بر رسول خود و مؤمنان نازل فرمود، آنها را به کلمه تقوی ملزم ساخت.) (۲۲). آل عمران، ۳۹-۴۵ (۲۳). بقره، ۳۷ – بقره، ۱۲۴ (۲۴). زخرف، ۲۸ (۲۵). مائده، ۳۵ (۲۶). و یا اعتقاد به اسلام با قبول ولایت شما کامل و تمام می‌شود، همانطور که قرآن پس از ابلاغ ولایت می‌فرماید: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي (۲۷). البرهان، ج ۷، ص ۲۴۳

(۲۸). زیارت وارث (۲۹). جمعه، ۹ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته می‌شود به سوی ذکر خدا بشتابید.) (۳۰). بقره، ۲ (۳۱). زخرف، ۲۸ (او کلمه‌ی توحید را کلمه‌ی باقیه در اعقاب خود قرار داد.) (۳۲). هود، ۸۶ (۳۳). الرحمن، ۲۷-۲۶ (تمام کسانی که روی آن (زمین) هستند فانی می‌شوند، و تنها وجه خدا باقی می‌ماند.) (۳۴). احزاب، ۳۳ (۳۵). واقعه، ۷۹ (۳۶). بقره، ۲ (۳۷). رعد، ۴۳ – عن ابی سعید خدری قال: سألت رسول الله صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عن قول‌الله تعالی: «و من عنده علم الکتاب» قال: «ذلک اخی علی بن ابی طالب» (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۳۰۷، همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطا، ابن حنفیه، ابن عباس، ابی صالح) (۳۸). اعراف، ۴۳ (۳۹). قال رسول الله صلّی اللّه علیه و آله و سلّم: إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ عزّوجلّ وَ عِتْرَتِی کِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلُ بَیْتِی وَ إِنَّ اللَّطِیفَ الْخَبِیرَ أَخْبَرَنِی أَنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ فَانْظُرُوا مَا ذَا تَخْلُفُونِّی فِیهِمَا (مسند احمد، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۸، و جلد ۲، صفحه‌ی ۱۷/ کنزل العمال، متقی هندی، حدیث ۹۴۴ و احادیث بعد از آن) عن زید بن ارقم قال: قام رسول الله صلّی اللّه علیه و آله و سلّم یوماً خطیباً فحمدالله و اثنی علیه ثم قال: ألا ـ أیُّهَا النّاسُ، فَإنَّما أنا بَشَرٌ یوشِکُ أن یَأتِیَ رَسولُ رَبّی فَاجیبَ، وأنَا تارِکٌ فیکُمْ ثِقلَینِ أوَّلُهُما کِتابُ اللّهِ، فیهِ الهُدی وَالنّورُ، فَخُذوا بِکِتابِ اللّهِ وَاستَمسِکوا بِهِ فَحَثَّ عَلَی کِتَابِ اللَّهِ وَ رَغَّبَ فِیهِ. ثُمَّ قَالَ: وَ أَهْلُ بَیْتِی أُذَکِّرُکُمُ اللَّهَ فِی أَهْلِ بَیْتِی أُذَکِّرُکُمُ اللَّهَ فِی أَهْلِ بَیْتِی أُذَکِّرُکُمُ اللَّهَ فِی أَهْلِ بَیْتِی صحیح مسلم، طبع سعودی، کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام سنن دارمی، دارالکتب العربی، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۲۴، حدیث ۳۳۱۶ قال رسول الله صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ...: فَانْظُرُوا کَیْفَ تَخْلُفُونِّی فِی الثَّقَلَیْنِ؟ قَالُوا وَ مَا الثَّقَلَیْنِ، یَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قال: کِتَابُ اللَّهِ طَرَفُهُ بِیَدِ اللَّهِ وَ طَرَفُهُ بِأَیْدِیکُمْ فَاسْتَمْسِکُوا بِهِ وَ لَا تَضِلُّوا وَ الْآخَرُ عِتْرَتِی و إنَّ اللَّطِیفَ الْخَبِیرَ نبأنی أَنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ فسألت ذلک لهما ربی فلا تقدموها فتهلکوا و لا تقصروا عنهما فتهلکوا و لا تعلوهم فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْکُمْ مَنْ کُنْتُ أَوْلَی بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلِیٌّ ولیه اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ. کنزالعمال، متقی هندی، حدیث ۹۵۷ (۴۰). بقره، ۱۴۳ (شما را امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال که میان افراط و تفریط هستید) تا گواه بر مردم باشید.) (۴۱). البرهان، ج ۱، ص ۳۴۴ (ما امت میانه هستیم). (۴۲). اسد الغابه، ج ۴، ص ۳۱ (۴۳). حج، ۲۷ (و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دور (به سوی تو) بیایند.) (۴۴). حمد، ۶ (۴۵). نساء، ۵۹ (۴۶). ابراهیم، ۳۷ – تفسیر نورالثقلین، ج ۶، ص ۱۱۱ را نگاه کنید (پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی در کنار خانه‌ای که حرم تو است ساکن ساختم تا نماز را بر پای دارند، تو قلبهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز.) (۴۷). ابراهیم، ۳۷ (۴۸). قال رسول الله صلّی اللّه علیه و آله و سلّم: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّةً». این روایت و نظائر معنوی آن: (بِغَیْرِ إِمَامٍ، لَیْسَ فِی عُنُقِهِ بَیْعَةٌ، و) ... در مدارک عامّه نظیر: صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۸؛ کتاب الامارة؛ تفسیر ابن کثیر، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۴۵۶ نقل شده است. (۴۹). نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۹۰، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی ۳۵ ابراهیم (۵۰). توبه، ۱۱۹ (فخر رازی مفسر معروف عامه می‌نویسد: «کسی که جایزالخطاست واجب است به کسی که معصوم است اقتدا کند و معصومین همان کسانی هستند که خداوند آنان را صادقین نامیده است؛ لذا این آیه دلالت می‌کند بر این که افراد جایز الخطا واجب است که با معصومان از خطا، همراه باشند تا اینان، مانع خطای آنان بشوند و این معنا، در هر زمانی ثابت است؛ لذا در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد و إلا این دستور، تکلیف به ما لایطاق است.» تفسیر رازی، جلد ۱۶، صفحه‌ی ۲۲۱ مصادری همچون: شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۵۹، حدیث ۳۵۰ الی ۳۵۷، تاریخ مدینه‌ی دمشق، ترجمه‌ی علی بن ابی‌طالب علیه السلام، ج ۴۲، ص ۳۶۱؛ مناقب خوارزمی، منقبت ۲۷۳؛ فتح القدیر شوکانی، ج ۲، ص ۵۰۲؛ صواعق المحرقه ابن حجر، ص ۱۵۰؛ ینابیع المودة، ج ۱، ص ۳۴۸ و ۳۵۸؛ الدرالمنثور سیوطی ج ۴، ص ۳۱۶؛ روح المعانی آلوسی، ج ۱۱، ص ۴۰ و ... به انحصار مفهوم «صادقین» در وجود مقدّس اهل بیت پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم اذعان نموده‌اند. (۵۱). آل عمران، ۱۹۱ (۵۲). اعراف، ۶۹ (پس نعمتهای خدا را به یاد آورید.) (۵۳). آل عمران، ۱۶۴

(۵۴). زخرف، ۴۵، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۵۶ (۵۵). اشاره به آیه‌ی نور، سوره‌ی نور (۵۶). آل عمران،۶۱ (۵۷). قصص، ۵ (اراده‌ی ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین منت گذاریم، و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم.) (۵۸). مائده، ۶۷ (و اگر تبلیغ ولایت ننمایی رسالت او را انجام نداده‌ای.) (۵۹). تفسیر ثعلبی، ج ۸، ص ۶۱ (۶۰). بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۵ (۶۱). صافات، ۲۴ (آنان را متوقف کنید زیرا مسؤولند. بعضی جاها «وقف» به معنی متعدی می‌آید و بعضی جاها لازم استعمال می‌شود، مصدر متعدی وقف است و مصدر لازم وقوف.) (۶۲). الرحمن، ۲۷ (۶۳). ینابیع المودة، ج ۲، ص ۷۶ و ۲۲۹ – کنزل العمال، حدیث ۳۲۸۹۴ (۶۴). ینابیع المودة، ج ۲، ص ۷۹، ناشر: دارالاسوه (۶۵). ینابیع المودة، ج ۱، ص ۳۷۰، ناشر: دارالاسوه (۶۶). قدر، ۱ (۶۷). اهلبیت کلید مشکلها، ص ۲۲۶ (۶۸). اشاره به حدیث «من مات» که در صفحه‌ی ۲۸ مدرك آن را آوردیم. (۶۹). انفال، ۶۲ (او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد.) (۷۰). شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۲۴ (۷۱). طه، ۱۲۴، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۸ (۷۲). محمد، ۹ (۷۳). زخرف، ۴۵ (۷۴). شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۵۹ (۷۵). مائده، ۵ (۷۶). نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۰۰ (۷۷). بقره، ۱۲۶ (۷۸). ابراهیم، ۳۵ (۷۹). آل عمران، ۹۷ (۸۰). رعد، ۲۸ (۸۱). اشاره به حدیث سلسلة الذهب: قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: سَمِعْتُ أَبِی مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ یَقُولُ سَمِعْتُ أَبِی جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیه‌السلام یَقُولُ سَمِعْتُ أَبِی مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ علیه‌السلام یَقُولُ سَمِعْتُ أَبِی عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ یَقُولُ سَمِعْتُ أَبِی الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ علیه‌السلام یَقُولُ سَمِعْتُ أَبِی أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه‌السلام یَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ سَمِعْتُ جَبْرَئِیلَ علیه السلام یَقُولُ سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِی أَمِنَ مِنْ عَذَابِی فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»: «لا اله الّا الله دژ محکمی من است؛ پس هر کس که در قلعه و دژ من در آید، از عذابم در امان است». پس چون مرکب حضرت حرکت نمود، بر ما (محدثان نیشابور) بانگ بر آورد: «به شروطش و من از شروط آنم». بحارالانوار، جلد ۴۹، صفحه‌ی ۱۲۳ (۸۲). سوره نور، آیه نور (۸۳). اعراف، ۱۵۷ (۸۴). فرقان، ۴۸ و ۴۹ (۸۵). اسراء ۹ (۸۶). جنة العاصمه، آیت الله میرجهانی (قدس سره)، ص ۱۴۹ (۸۷). روم، ۳۰ (۸۸). بقره، ۱۳۸ (۸۹). خوانندگان گرامی را به نتایج مطالعات دکتر اِموتو، دانشمند ژاپنی پیرامون تأثیر کلمات و اخلاق و ضمیر انسان بر آب ارجاع می‌دهیم. (۹۰). بقره، ۲۳۸ (۹۱). رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم فرمود: هر که فرزندی از او متولد شد، باید که اذان در گوش راست او و اقامه در گوش چپ او بگوید، این کار باعث می‌شود او از شرّ شیطان در امان باشد. حلیة المتقین، ص ۱۲۴ ۹۲. صواعق المحرقه، ج ۲، ص ۲۶۰

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از

حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر

که او را زنـده کنـد و از کفر به ایمـان، ارشـاد کنـد، گویی همه مردم را زنـده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشـیرهای تیز بکشد». مسـند زید: امام حسـین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹